

پیگیری از شرکت برق همچنان در دستورکار شهرآراست

مردم: خاموشی‌های شهری بار مزارز های غیر مجاز ارتباط دارد؟



عکس: احمد حسینی / شهرآرا

مهديزاده

در لابه‌لای خبرهای هفته گذشته استان، چند خبر درباره کشف واحدهایی که غیرمجاز اقدام به استخراج رمزارز می‌کنند، در کانون توجه افکار عمومی قرار گرفت. دو هفته قبل بود که معاون فروش شرکت توزیع نیروی برق خراسان رضوی، از کشف ۲۳ واحد غیرمجاز استخراج رمزارز خبر داد، خبری که تنها به همین عدد و بدون ارائه جزئیاتی از این واحدهای شناسایی‌شده، نحوه این واحدها بسا وجود کنتورهای برق، محدود شد. چند روز پیش معاون برنامه‌ریزی سازمان

ارائه جزئیات رمزارزها دست حراست‌ها در این رانستا سؤالات مردمی درباره رمزارزها و نقش آن‌ها در خاموشی‌های اخیر مشهد در قالب ۹ سؤال برای شرکت برق مشهد ارسال شد، سؤال‌های ارسالی درباره فعالیت واحدهای استخراج رمزارز، نقش آن‌ها در خاموشی‌های اخیر مشهد، شناسایی واحد صنعتی و اقدام آنان برای استخراج رمز، مطرح شد.

بااین حال علیرضا کاشی، مدیر روابط عمومی شرکت برق مشهد، ارائه جزئیاتی از رمزارزهای غیرمجازی را که خبر کشف مواردی از آن به تازگی رسانه‌ای شد، منوط به نظر حراست می‌داند. دلیلی هم که می‌آورد مربوط به شرایط خاص فعالیت رمزارزهاست.

مجوز رمزارز آوردند، مشکلی نیست

توضیحات روابط عمومی شرکت برق مشهد درباره فعالیت رمزارزهای غیرمجاز به چند نکته خلاصه بسنده می‌شود. نخست آنکه هرگونه فعالیت رمزارز با توجه به ابلاغیه سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی، تنها با ارائه مجوز از این سازمان امکان پذیر است. بنابر این شرکت برق مشهد تنها به افرادی که این مجوز را ارائه کنند برق ارائه خواهد داد. نکته دوم آنکه شرکت برق مشهد در تأمین برق مشهد هیچ گونه مشکلی ندارد و در این راستا برنامه خاموشی‌هایی که اعلام می‌شود، تنها به منظور مدیریت مصرف برق کشوری است. برنامه خاموشی‌ها نیز به دلیل آمادگی مردم اعلام می‌شود تا چنان‌که برق کشور در خواست مدیریت بار کر، مشترکان دچار مشکل نشوند.

نکته سوم و نیز بر این محور استوار است که در هفته گذشته بایانکه اعلام شد خاموشی صورت می‌گیرد، برق مشترکان مشهدی قطع نشد و تنها در حوزه معابر، مدیریت برق اعمال شد.

مدیر روابط عمومی شرکت برق مشهد درباره چگونگی فعالیت‌های غیرقانونی رمزارزها با وجود کنتورها و مشخص بودن افزایش مصرف برق می‌گوید: ما برق را به واحد کشاورزی و صنعتی دادیم اما ده‌ای از این مجوز برای استخراج رمزارز استفاده کرده‌اند. اکنون نیز تأکید داریم که اگر مجوز گرفته‌اند، مشکلی برای تأمین برق آن‌ها نداریم. اما پیگیری‌های ما از مسئولان شرکت برق استان به نتیجه نمی‌رسد. در نهایت بسا پیگیری‌های صورت گرفته مقرر می‌شود سؤالاتی فرستاده شود. سؤالات شهرآرا را مسئول دفتر مهدی دهقان، معاون فروش و خدمات مشترکان شرکت توزیع نیروی برق خراسان رضوی، پاسخ می‌دهد. هر چند خواست و مطالبه رسانه، پاسخ‌گویی و همراهی بیشتر مسئولان امر به منظور شفاف‌سازی است، نهایت پیگیری‌ها در همین سؤالات و پاسخ‌های گزیده ختم می‌شود که در ادامه می‌خوانید.

هفته گذشته شرکت برق استان از شناسایی و کشف ۳۳ واحد رمزارز خبر داد. در این خبر تنها به تعداد واحدهای شناسایی‌شده بسنده شد. لطفا جزئیاتی درباره واحدهای شناسایی‌شده ارائه کنید.

موضوع ارز‌های دیجیتال مدتی است که به خاطر جذابیت‌های مادی و بسوده‌های کلانی که دارد، در حال توسعه بوده و در قالب تعرفه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و بسسته به تعداد ماینرها، از خانه گرفته تا واحده صنعتی، قابل نصب، راه‌اندازی و بهره‌برداری است. البته برای این موضوع یک تعرفه خاص در نظر گرفته شده است.

فعالیت این واحدهای متخلف به چه صورت بوده است؟ (نحوه استفاده از برق...)

بیشتر این واحدها از اشتراک‌های غیرفعال و نیمه‌فعال استفاده می‌کردند.

در آمار جدید به تعداد واحدهای شناسایی‌شده افزوده شده است؟ چه تعداد؟

بیشتر این واحدها از اشتراک‌های غیرفعال و نیمه‌فعال استفاده می‌کردند.

شهرکار

روزنامه شهرامیدوزنگی

شنبه ۰۱ بهمن ۱۳۹۶ ۰۵ شهریور ۱۳۹۷ شماره ۳۳۱۱

SHAHIRANNEWS.IR

۰۴

↓

خاموشی

الهام مهدیزاده

e.mahdizadeh@shahrannews.ir

دیوارهای بلند آجری، بسا چند دیوارنوشته اخلاقی و یک اتاقک نگهبانی؛ کانون اصلاح و تربیت از این بیرون، شبیه ساختمان‌های دیگر است اما داخلش تفاوت دارد. شبیه مدرسه است اما شاگردانش هر روز به خانه نمی‌روند. اینجا نه آمدن کسی دست خودش است و نه رفتنش. ورود و خروج همه با دستور قاضی است؛ همین است که برای ورود ماهم کلی هماهنگی لازم است. به اتفاقی هدایت می‌شویم که نور بریده بریده، ستون ستون، یک خط درمیان، از پنجره‌های ترده پوش آمده داخل. منتظر یوسف هجده‌ساله هستیم که از دو سال پیش اینجااست تا تاوان خطایی را بدهد که عصری در آخر خرداد ۹۷ مرتکب شد. تاوان دهن به‌دهن گذاشتن بیگانه‌ای که با خون تمام شد.

این گزارش با همکاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی استان و کانون اصلاح و تربیت تهیه شده است. نظر به جایگاه والای کرامت انسانی، برای نوشتن این داستان واقعی که در ادامه می‌خوانید از اسامی مستعار استفاده شده است.

شوخی شوخی دعوا شد

نوجوان در یکی از اتاق‌های کانون نشسته که از راهرویی باریک و کشیده منشعب شده است. می‌خواهد روایت یک بازی را بگوید. با صدایی دور که و چهره‌ای که تازه رنگ جوانی گرفته، شروع به صحبت می‌کند. از پایان بهار می‌گوید. یوسف و دوستانش مثل اغلب نوجوانان برای عصر داغ، برنامه ریخته‌اند تا به پارک چند کوچه بالاتر بروند؛ «گفت: به آرش و حمید هم خبر بده؛ حدود ساعت ۴ پارک باشید. هر کی دیر اومد، بستنی با اون. بپانه‌م‌انه هم نداریم.»

بچه‌ها یکی یکی می‌رسند. حرف می‌زنند. می‌خندند و شوخی می‌کنند. کمی بعد شوخی‌ها به شاخ‌وشانه کشی کشیده می‌شود، حرف‌هایی که یوسف حالا هم از گفتنش شرم دارد: «شوخی شوخی هرچه فحش ناچور بود، می‌گفتند و بستنی می‌خوردند. از صندلی پارک بلند شدم، آرش گفت: بچه‌سوسول رو ببین؛ حتی عرضه گوش کردن نداره. بشین بچه، بستنی رو بخور. بعد ادامه داد: تو که این قدر تیتیش‌مامانی هستی، بمون تو که یوشه طرف‌ها رو بشور! ادامه جمله‌اش هم چندتا فحش داد. بهش گفتم: این چرت و پرت‌ها چیه می‌گی! خودت (...) هستی. حرفم جلو دونفر دیگر، برایش سنگین بود. از روی صندلی بلند شد و بقیه لباسم را گرفت و گفت: بچه‌ها ببینین کی داره چی می‌گه؛ بچه‌مخمت مدرسه‌مون آدم شده! دونفری که همراهان بودند، زدند زیر خنده. هرچه بچه‌ها بلندتر می‌خندیدند، آرش بیشتر فحش می‌داد، تا اینکه چند فحش درشت و ناموسی داد. دیگر نتوانستم تحمل کنم و با هم گلاویز شدیم.»

خنده‌هایی که باخون تمام شد

یوسف گفت که می‌کند. یادآوری آن عصر، خنده‌ها و تمسخر دوستانش برایش سخت است. دست‌هایش را به هم می‌فشارد. لیوان آب روی میز را

همه ۳۰ دقیقه گفت‌وگو با رئیس کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی در یک تأکید خلاصه می‌شود: «برای بچه‌ها وقت بگذارید.» مر ترضی فرشته‌مقدم همه مشکلات بچه‌هایی را که پایشان به کانون باز می‌شود، به غفلت والدین یا ازهم‌گسستگی خانواده‌ها گره می‌زند. او، تحت حمایت والدین باشند، کانون رفته‌رفته از این نوجوانان خالی می‌شود. فرشته‌مقدم مصاف‌هایی را به‌گفته‌هایش اضافه می‌کند و می‌گوید: بچه‌ای داریم که پدر و مادر هر دو از نظر تحصیلات و اشتغال در سطح عالی هستند اما مشکل اینجا بوده که تمام وقتشان را به کار اختصاص می‌داده‌اند. این بچه برای پرکردن تنهایی‌اش و به‌دلیل آزادی می‌جدوم‌زی که به او داده بودند، با افرادی دوست می‌شود که او را به مخدرهای صنعتی معناد می‌کنند. وقتی این پسر بچه‌ها را به کانون آوردند و به پدر و مادرشان اطلاع دادیم که فرزندان اعتیاد دارد، باور نمی‌کردند.

در ستایش بازگشت

نوجوانی که در پی قتل غیرعمد دوستش به کانون اصلاح و تربیت آمد اینک حافظ قرآن است و می‌خواهد زندگی دوباره‌ای را آغاز کند اما...



عکس: مصطفی عباسی / شهرآرا

در بندنداری

غای نزدیک

حامد ۱۳سال بیشتر نداشت که تحت تأثیر دعوای همیشگی پدر و مادر، گرفتار پرونده قتل و کانون شد. او به‌عنوان تنها فرزند خانواده با نقشه مادر برای رهایی از کتک‌های همیشگی پدر، زمینه‌ساز قتل او می‌شود. او حالا ۱۸سال دارد. رئیس کانون اصلاح و تربیت استان از حامد و حسن رفتارش در این پنج سال تعریف می‌کند و می‌گوید: «حامد در لحظه ورود، بچه‌ای سرخورده و آسیب‌دیده بود، اما الان زمین تا آسمان فرق کرده است.» این تغییر اما دلیلی برای رهایی حامد نیست. او که بی‌کس است باید ۱۶۵میلیون تومان دیه پرداخت کند. او چشم انتظار امیدی جدید است، امید برای زندگی.



از قرآن را می‌خواندم و می‌گفتم: خدا همه بنده‌هاش رو امتحان می‌کنه؛ ما رو این‌طوری امتحان کرده. الان من و تو سالمیم، اما آدمای زیادی بیرون از اینجا زندگی می‌کنند و آرزوشون، بلندشدن از تخت بیمارستان و راه‌رفتن و خوردن خیلی از خوراکی‌هاست. ما بنده‌های نحوه فراموشکار خداییم. یادمون می‌ره خدا چه چیزهایی بهمون داده یا برامون مهم نبوده. ما بنده‌های فراموشکاریم اما مطمئنم خدا ما رو فراموش نمی‌کنه، همون‌طور که یوسف(ع) رو در ته چاه و بند زندان فراموش نکرد.»

این حرف‌ها و استمرار کار یوسف سبب می‌شود چند نفر از بچه‌های کانون به حفظ کلام وحی علاقه‌مند شوند و یوسف نحوه حفظ سوره‌های جزء ۳۰ قرآن را به آن‌ها یاد بدهد. پسر هجده‌ساله کانون اصلاح و تربیت امیدوار به آزادی دوباره، بنسار بر ساختن آدم دیگری گذاشته است؛ آدمی که قدر زندگی و نعمت‌هایش را می‌داند.

آرزوی یوسف اما آرزوی یوسف؛ «می‌دانم خطا کرده‌ام، خطای بزرگی که نمی‌توان جبرانش کرد اما الان واقعا دوست دارم به خانه برگردم، به همان روزهای قبل. دوست دارم برگردم پیش خانواده‌ام، بروم دانشگاه. دوست دارم دوباره توی پارک راه بروم و نفس بکشم در هوای آزاد.»

آینده‌ای رهاشده نخواهند داشت. نکته دیگر صحبت‌های فرشته‌مقدم حول آموزش و پرورش است، نهادهی که به‌اذعان او، نقشی کلیدی در حوزه تربیتی فرزندان دارد. او مهم‌ترین اقدام آموزش و پرورش را «مهارت‌آموزی دانش‌آموزان و والدین» می‌داند و می‌خواهد که آموزش و پرورش کارگاه‌های مهارتی و روان‌شناسی برای دانش‌آموزان و والدین برگزار کند، کارگاه‌هایی که به‌گفته‌او می‌تواند به شناخت والدین و نحوه برخورد آنان با نوجوانشان کمک درخور توجهی کند. او طرح‌های فعلی آموزش و پرورش را نظیر «طرح شکات»، «مقطعی می‌داند و معتقد است: این طرح‌ها کافی نیست و اگر قرار بر مهارت‌آموزی است، باید به سمت و سوی طرح‌هایی پایدار حرکت کنیم. رئیس کانون نوجوان‌ها را داشته باشند؛ نوجوان‌هایی که نداشتن مهارت «نه گفتن» را ریشه عمده آسیب‌های دوران نوجوانی می‌داند، مهارتی که می‌تواند آنان را در برابر رفتارهای دیگر دوستانشان ایمن کند.

اشکان، نوجوانی است که خانواده رهایش کرد و مشکلات خانوادگی و توجه‌نکردن به رفت‌وآمدهایش، او را هم کاسه چند سارق سابقه‌دار کرد. این همراهی البته دوام چندانی نداشت و اشکان چند ماه بعد، به جرم سرقت، سر از کانون درآورد. او حالا پشیمان است و هزینه سنگینی پرداخته؛ دو سال از عمرش را برای ۲۰میلیون تومانی که باید بدهد و ندارد، در کانون گذرانده است. مسئولان کانون می‌گویند اگر این ۲۰میلیون فراهم شود اشکان با کانون خداحافظی می‌کند. آن‌ها امیدوارند با فراهم‌شدن مبلغ رد مال، اشکان ورود به جوانی و آزادی را با هم شروع کند.



برمی‌دارد و بین دو دستش می‌گیرد، شاید خنکی لیوان کمی آرامش کند. سرش پایین است. لیوان را کمی میان دو دستش می‌چرخاند. همان‌طور که نگاهش به زمین دوخته شده است، می‌گوید: «خیلی سخت گذشت. هنوز وقتی چشم‌هایم را می‌بندم خون می‌بینم. به... به خدا... به خدا... نمی‌خواستم این‌طوری شود. من... من فقط هلسش دادم. به قرآن اصلا باورم نمی‌شد که...»

چشم‌های اشک‌آلودش را میان دو دستش پنهان می‌کند؛ «خورد زمین. سرش به جدول کنار باغچه‌ها و سنگ‌فرش کف پارک خورد... خون... ترسیدم...»

آرش به‌دلیل شکستگی جمجمه دو ساعت بعد از این درگیری فوت می‌کند و یوسف می‌شود قاتل! بعد از چندین نوبت دادگاه، خانواده آرش به گرفتن دیه رضایت می‌دهند، دیه‌ای ۳۰میلیون تومانی؛ رقمی که نه خانواده داغ‌دار آرش حاضر به کم‌کردنش هستند و نه خانواده امید یافته یوسف، توان پرداختش را دارند.

داستان‌های عبرت

حسرت این روزهای یوسف، چیزهای کوچک و ساده‌ای است که دو سال پیش، نه می‌دیدشان و نه قدرشان را می‌دانست. یوسف از آن شب تا امروز، کنار خانواده

برای بچه‌ها وقت بگذارید، لطفا!

قرار دهند. او خروج بچه‌ها از کانون را یکی از موارد مهمی می‌داند که مسئولان باید به آن توجه کنند؛ «تعدادی از نوجوانان داخل کانون مشکل گسستگی خانواده دارند و این موضوع سبب می‌شود بعداز خروج از کانون، دچار رهاشدگی در جامعه شوند. هیچ‌کس چشم‌انتظار برگشت این دسته افراد نیست و حالا هم که از کانون خارج شده‌اند کسی نیست که دست آنان را بگیرد و از آن‌ها حمایت کند که این موضوع بسیار خطرناک است.»

مهارت‌آموزی حلقه گمشده آموزش

رئیس کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی می‌گوید که مسئولان باید بیشتر هوای این نوجوان‌ها را داشته باشند؛ نوجوان‌هایی که سهمی در آینده این کشور دارند. او تأکید می‌کند: اگر مسئولان اقداماتی نظیر ایجاد مراکز اشتغال یا دادن وام اشتغال به این نوجوان‌ها را تسهیل کنند، این نوجوانان،